



(شهید والا مقام مهدی رستمی)

نام پدر: مرتضی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۳/۲۲

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۵/۵

محل شهادت: شمال شلمچه

نام عملیات: عملیات مرصاد

مسئولیت: تیربارچی و امدادگر

محل خاکسپاری: شهریار، گلزار شهدای دهمویز

فرازی از وصیتنامه

سلامی به گرمی خون شهیدان، سخنی با شما دارم، آن قدر مهم است که باید قبل از هر چیز آن را به شما و به همه بگویم و آن این است: امام، امام، امام؛ جز خط او برای خود انتخاب نکنید، هر چه او بگوید همان خوش است. اگر گفت جنگ، جنگ خوش است و اگر گفت صلح، صلح خوش است و او گفت که ما همچون حسین U وارد جنگ شده‌ایم و چون او باید به شهادت برسیم. پدر و مادرم، شما را بعد از شهادتم به صبر پیشه کردن توصیه می‌کنم، شما که بهترین راهنمایان من بودید.

(خلاصه‌ی زندگینامه)

شهید مهدی رستمی در سال ۱۳۴۵ در روستای دهمویز شهریار دیده به جهان گشود. دوران تحصیل را تا پایان دوره‌ی دبیرستان در شهریار سپری کرد. با توجه به اینکه در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمده بود، مشغول فراگیری قرآن و احکام اسلامی در مسجد محل شد. سپس در دانشگاه دولتی، در رشته‌ی زبان خارجی، پذیرفته شد.

در دوران انقلاب، در تظاهرات و راهپیمایی‌های مردمی و پخش اعلامیه‌های امام خمینی (ره) شرکت می‌کرد. با تشکیل بسیج به عضویت این نهاد درآمد. با شروع جنگ، به فراگیری آموزش‌های لازم اقدام نمود و در بهار ۱۳۶۳ از طریق سپاه شهریار به جبهه‌ی غرب اعزام شد و به عنوان امدادگر به کمک مجروحان جنگ شتافت و از این طریق به جبهه اسلام خدمت نمود. در عملیات‌های دفاع از خون، دفاع سراسری و غدیر (همزمان با عملیات مرصاد) شرکت داشت که در عملیات مرصاد، بر اثر اصابت گلوله به ناحیه‌ی سر به درجه‌ی رفیع شهادت نایل آمد و پیکر پاکش پس از چهل روز تشییع شد.

ویژگی‌های اخلاقی؛ او بسیار پرتلاش و اهل مطالعه، متفکر و کم‌حرف، خوش

اخلاق و صبور بود. با مردم به مهربانی و با رویی باز برخورد می‌کرد.

خاطره‌ای به نقل از مادر شهید؛ با توجه به قبول قطعنامه و حمله‌ی مجدد عراق،

ایشان تصمیم گرفت به منطقه جنگی برود. به او گفتیم: «جنگ دیگر تمام شد، باز هم می‌خواهی به جبهه بروی؟» در جواب گفت: «مادرم، هر چه امام بگوید؛ جنگ، جنگ؛ صلح، صلح»؛ و این آخرین بار بود که ایشان اعزام شد و همان طور که آرزو داشت به شهادت رسید.